«۱۸۰درجه» ادامه نخواهد داشت

صبا: برنامه «۱۸۰ درجه» که در قالب یک مجله تلویزیونی با ساختاری جدید و با برگزاری مناظره‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از شبکه «افق» در دو فصل پخش شد، فصل جدیدی نخواهد داشت. سید مرتضی فاطمی، تهیه‌کننده این برنامه در خصوص تولید و پخش فصل جدید این برنامه گفت: برنامه «۱۸۰ درجه» برنامه موفقی بود؛ ولی با توجه به تغییرات جدید مدیریتی که در شبکه افق اتفاق افتاد، ترجیح می‌دهم این برنامه فصل جدید نداشته باشد و برنامه‌ای برای ساخت فصل جدید آن ندارم. چون برنامه حالت مناظره محور داشت مایل نیستم از شبکه‌های دیگر پخش شود؛ ولی برنامه‌های دیگری که طرح آن نوشته شده است، از سایر شبکه‌ها پخش خواهد شد. من کار برنامه‌سازی را موازی با ساخت فیلم پیش خواهم برد.

«هزارپا» چهارمیلیارد، «خاله قورباغه» ۳۷۱میلیون

درحالی که «هزارپا» به مرز چهار میلیارد نزدیک شد، «خاله قورباغه» موفق به فروش ۳۷۱ میلیون تومانی شد. در هفته گذشته فیلم‌های سینمایی در گیشه فروش با اما و اگرهای مختلفی مواجه بود. کم بودن تعداد تیزرهای تبلیغاتی و بازی‌های جام جهانی همچنان بر گیشه فروش فیلم‌ها اثر گذاشته‌اند و تنها بخشی از فیلم‌های در حال اکران موفق به فروش خوبی شده‌اند. هزارپا، تازه‌ترین فیلم ابوالحسن داوودی در مقام کارگردان است و طی این مدت سه‌میلیارد و ۹۵۰ میلیون تومان فروش را پشت سر گذاشت. این درحالی‌است که «به وقت خماری» به کارگردانی محمدحسین لطیفی ۵۱۰ میلیون تومان فروش کرد و فیلم سینمایی عروسکی -موزیکال «خاله قورباغه» به کارگردانی افشین هاشمی موفق به فروش ۳۷۱ میلیون تومانی شد.

بیلبوردها به «سریک» نرسید

هدیه‌ای که وانکرده پس فرستاده شد

کادوی تولد بهاره افشاری با انتقادهای تندوتیز همراه و پس داده شد

بهاره افشاری، کارگردان و تهیه‌کننده مستند «سریک» پس از حاشیه‌هایی که برای هدیه میلیاردی اش از سوی شهرداری تهران در روز تولد وی به‌وجود آمد، در یادداشتی از پذیرفتن این هدیه انصراف داد. در قسمتی از متن این یادداشت آمده است: فضای مه‌آلود و سیاست‌زده‌ای که این روزها بر جامعه حاکم شده، باعث می‌شود از هر رفتاری، تعبیر سیاسی شود. همه دوستانی که این روزها خبر هدیه شش‌میلیاردی شهرداری را به من می‌دهند، خودشان بیش از هر کس دیگری بر این موضوع واقف هستند که این هدیه، هدیه شخصی از سوی یک نهاد به یک فرد نبود. پرواضح است نهادهایی مانند شهرداری و صداوسیما یکی از وظایف‌شان کمک به آثار فرهنگی مستقلی است که در فضای بغرنج اقتصادی این روزها سعی در ادامه حیات و بقا دارند. این اولین بار نیست و صد البته آخرین بار هم نخواهد بود که ارگان‌هایی نظیر شهرداری و تلویزیون امکاناتی نظیر بیلبورد و تیزرهای تبلیغاتی خود را با تخفیف‌های حداکثری یا به شکل رایگان در اختیار اهالی فرهنگ قرار می‌دهند تا از این طریق امکان حیات را برای آنان فراهم کنند. رونمایی از مستند «سریک» با محوریت رابطه سردار آزمون، بازیکن سابق تیم ملی فوتبال ایران با اسب خود، از همان ابتدا بازتاب‌های گسترده‌ای در فضای رسانه‌ای داشت؛ به‌ویژه که این مستند نام یکی از بازیگران سینما و تلویزیون را به‌عنوان تهیه‌کننده و کارگردان پای خود داشت. بهاره افشاری در نخستین تجربه کارگردانی خود این مستند را به سرانجام رساند و قابل پیش‌بینی بود که رونمایی از آن در قالب مراسمی توأم با فوت کردن کیک تولد خانم بازیگر با واکنش‌هایی در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی مواجه خواهد بود.

کادوی تولد یا بسته حمایتی؟

در مسیر همین بازتاب‌ها و واکنش‌ها، انتشار خبر اهدای بیست بیلبورد تبلیغاتی برای این فیلم مستند از سوی شهرداری تهران آن هم به‌عنوان «کادوی تولد» بهاره افشاری با انتقادهایی تندوتیز همراه شد، انتقادهایی که محور اصلی آن‌ها حول ابهام‌هایی از این دست بود: بسته‌های حمایتی شهرداری تهران برای فیلم‌های مستند ورزشی چرا تا به امروز شامل حال مستندهای دیگر نشده بود؟ آیا دیگر چهره‌های معتبر و شناخته‌شده در عرصه مستندسازی هم امکان و شرایط بهره‌مندی از این امتیاز را در آینده خواهند داشت؟ مبالغ شش تا بیست‌میلیارد تومانی برآورد شده برای این بسته حمایتی با چه منطقی برای حمایت از مستند یک کارگردان فیلم اولی در نظر گرفته شده است؟

جایزه پرابهام مجاب‌کننده نبود

ابهام‌ها درباره این خبر به حدی بود که در واکنش به بازتاب‌ها در فضای مجازی، محمدصادق حسنی، سرپرست ورزش شهرداری تهران ناگزیر از ارائه توضیحات شد و اعلام کرد: «ما برای اکران فیلم بهاره افشاری (کارگردان فیلم سریک با مضمون اسب سردار آزمون) سالنی را در اختیار آنان قرار دادیم تا مراسم افتتاح اکران فیلم در آن برگزار شود؛ ضمن اینکه آنان درخواست کردند که برای تبلیغ فیلم آنان را حمایت کنیم؛ اما بحث عدد و رقم مطرح نیست و خدا می‌داند قصه کمک بیست‌میلیاردی از کجا آمده است؟ چرا که ما از سردار به عنوان یک ورزشکار ارزشی حمایت کردیم و وظیفه ذاتی خود می‌دانیم که در راه مرام ورزشکاری و حمایت از ورزشکاران قدم برداریم و هرگونه کمک مالی و عدد و رقم در این باره کذب است.» اشاره به «وظیفه ذاتی» در فضای رسانه‌ای به‌وجود آمده درباره این جایزه پرابهام مجاب‌کننده نبود و شاید به همین دلیل ۲۳ تیرماه و چندین روز پس از این ماجراها بهاره افشاری دست به قلم برد و برای انصراف از قبول این «هدیه» نوشت: «فضای مه‌آلود و سیاست‌زده‌ای که این روزها بر جامعه حاکم شده، باعث می‌شود از هر رفتاری، تعبیر سیاسی شود.»

انصراف همراه با گلایه

بهاره افشاری در این نامه با اشاره به اینکه «این اولین‌بار نیست و صدالبته آخرین‌بار هم نخواهد بود که ارگان‌هایی نظیر شهرداری و تلویزیون امکاناتی نظیر بیلبورد و تیزرهای تبلیغاتی خود را با تخفیف‌های حداکثری یا به شکل رایگان در اختیار اهالی فرهنگ قرار می‌دهند»، ماجرای این هدیه شهرداری تهران را این‌گونه روایت کرده است: در مراسم اکران خصوصی فیلم «سریک» در امتداد وظایف نهاد شهرداری جهت حمایت از سینمای مستقل، پیشنهاد اختصاص بیست بیلبورد به فیلم «سریک» مطرح شد. پرسش من اینجاست: کدام کارگردانی که غایت آرزویش دیده شدن فیلمش است از این امکان چشم‌پوشی می‌کند؟ هرچند که بعدها این کمک فرهنگی در این فضای ملتهب، تعبیر به هدیه شخصی شد (که باز پر واضح است پیشنهاد هدیه یا حتی حسن‌نیت کمک به سینمای مستقلی که از جانب کسی دیگر اولین‌بار مطرح شده و نه از طرف گروه سریک چرا باید باعث شرمساری گروه ما شود؟)، این در حالی است که به لطف خدا و مردم نازنین فیلم ما در هفته اول بدون هیچ تبلیغی در نخستین ساعات فروش تمام بلیت‌هایش به پایان رسید.

> بهاره افشاری: به احترام افکار عمومی که این روزها تحت‌تأثیر فضای التهاب‌آمیز سیاسی دچار سوءتفاهم شدند، انصراف خود را از پذیرفتن بیست بیلبورد فیلم «سریک» اعلام می‌کنم

سوءاستفاده از شرایط اقتصادی مردم

بازیگر فیلم سینمایی «پایان‌نامه» سپس طیفی از منتقدان به این هدیه جنجالی را خطاب قرار داده و نوشته است: از عزیزانی که از شرایط اقتصادی مردم سوءاستفاده می‌کنند تا برای آنان ایجاد سوءتفاهم کنند پرسشی دارم و آن این است: چگونه من را متهم به گرفتن هدیه میلیاردی از بیت‌المال می‌کنند، درحالی که به خوبی واقف هستند بیلبوردهایی که قرار بود به این فیلم مستند اختصاص داده شوند، بیلبوردهایی بودند که همواره جهت معرفی و تبلیغ آثار فرهنگی در زمانی تعریف‌شده از آن‌ها بهره گرفته می‌شود و در این زمان تعریف شده این بیلبوردها در اختیار شرکت‌های تبلیغاتی و درنهایت چرخه اقتصادی قرار ندارد و در خدمت فرهنگ است؛ ضمن اینکه تاکنون افکار عمومی نه‌تنها هرگز به تخفیف‌های فرهنگی از این جنس واکنشی نشان نداده بلکه آن را راهکاری برای دوام هنر دانسته است. کارگردان «سریک» در بخش دیگری از نامه خود با تأکید بر اینکه «ما هیچ درخواستی مبنی بر گرفتن بیلبورد، نه به شهرداری و نه هیچ نهاد دیگری ارائه نداده بودیم» نوشت: به احترام افکار عمومی که این روزها تحت‌تأثیر فضای التهاب‌آمیز سیاسی دچار سوءتفاهم شدند، انصراف خود را از پذیرفتن بیست بیلبورد فیلم «سریک» اعلام می‌کنم و آرزو دارم هنر ما بتواند همچنان مستقل و بدون سایه سیاست به حرکتش ادامه دهد و ما با تعبیرهای این‌چنینی جلوی بقای هنر را نگیریم.

ابهام‌هایی که همچنان بی‌پاسخ است

فارغ از سرنوشت این بیلبوردهای تبلیغاتی شهرداری تهران که یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌ها برای اطلاع‌رسانی محیطی محصولات فرهنگی محسوب می‌شود و همواره فرایند بهره‌مندی از آن‌ها مورد گلایه و نقد اصحاب فرهنگ و هنر بوده است، جای آن دارد که پس از این نامه بهاره افشاری، مسئولان شهرداری هم با صراحت درباره این «هدیه» شفاف‌سازی کنند. قطعا انصراف مستند «سریک» از قبول این بسته حمایتی را نمی‌توان نقطه پایانی بر ابهام‌های بسیار درباره تصمیم‌گیری درباره اعطای «هدیه»هایی از این دست دانست.

عکاس‌خانه

فیلم‌برداری «دو کیلومتر به کردان» به پایان رسید

فیلم‌برداری فیلم سینمایی «دو کیلومتر به کردان» به تهیه‌کنندگی، نویسندگی و کارگردانی محمدجعفر رضایی هنجنی به پایان رسید. این فیلم در حوزه اجتماعی ساخته شده و داستانی از کینه، دروغ و ناامیدی را روایت می‌کند.

سکانس آخر «زندانی‌ها» در مسجد جماران

فیلم سینمایی «زندانی‌ها» به کارگردانی و تهیه کنندگی مسعود ده‌نمکی در زندان قصر تهران کلید خورد. با ضبط سکانس‌های پایانی فیلم زندانی‌ها در منطقه کن و سپس مسجد جمکران، فیلم‌برداری جدیدترین ساخته ده‌نمکی به پایان رسید.

معرفی انیمیشن

پیله‌ی شیرین

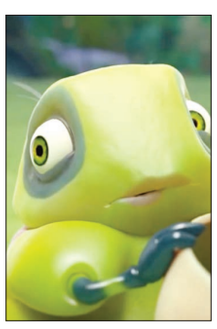

انیمیشن کوتاه فرانسوی Sweet Cocoon پیله شیرین در سال ۲۰۱۴ به دست تیمی متشکل از پنج کارگردان با نام‌های متیو برنارد، متیاس برگت، جاناتان دورت، منون مارکو و کوئنتین پویراوئو از مدرسه انیمیشن‌سازی ESMA ساخته شد. این انیمیشن در سال ۲۰۱۵ موفق به حضور و دریافت اثری ستایش شده در بخش بهترین انیمیشن‌های کوتاه مراسم اسکار شد. داستان آن درباره یک کرم ابریشم است که مشکل اضافه‌وزن دارد. این کرم قصد دارد به داخل پیله‌اش برود و به پروانه تبدیل شود اما به خاطر فیزیک بدنی‌اش نمی‌تواند به آسانی از پس این کار بربیاید.

واکان

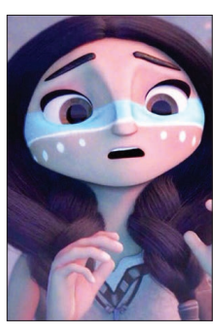

انیمیشن فانتزی و کوتاه Wakan با استفاده از عنصر پایان‌بندی غافلگیرکننده، سعی می‌کند نگاه مخاطبش را به مفاهیمی چون خانه، هیجان‌ها و آرزوها، با تغییری قابل لمس و خاص مواجه کند. قصه‌گویی انیمیشن کوتاه Wakan همان‌گونه که از اثری چند دقیقه‌ای انتظار داریم، تقریبا بدون مقدمه‌پردازی شروع می‌شود. در ابتدا، سازندگان نماهایی از دهکده ساده و کوچک یک دختر و برادرش را که در حال بازی کردن هستند، به تصویر می‌کشند؛ سپس با نشان دادن نورهایی آبی‌رنگ و زیبا که در هوا معلق هستند، جغد چوبی بزرگی را نشان می‌دهند.

جانی اکسپرس

انیمیشن علمی‌تخیلی Johnny Express در کنار انیمیشن معروف Alarm، جزو برجسته‌ترین آثار کوتاه کشور کره جنوبی به حساب می‌رود. داستان «جانی اکسپرس» درباره فضانورد تنبلی به همین نام در سال ۲۱۵۰ است که به شغل تحویل بسته‌های پستی در بین کهکشان‌ها مشغول است و دست بر قضا به خاطر فعالیت خوب و مفیدش حتی جوایزی هم دریافت کرده است! وقتی که جانی برای تحویل بسته‌ای بسیار کوچک با مقیاس میکروسکوپی وارد سیاره‌ای می‌شود، مشکلاتی برای او و از آن مهم‌تر برای ساکنین آن سیاره به‌وجود می‌آید!

نقد روز

ترقی معکوس در ادبیات معاصر

کامیار عابدی
منتقد ادبی

به احتمال زیاد برای شماری درخور توجه از علاقه‌مندان و خوانندگان ادبی، ادبیات معاصر جذاب‌ترین شاخه درخت تناور ادبیات محسوب می‌شود. دلیل آن هم آشکار است: ادبیات معاصر زبانِ حال دوره خود ما یا نزدیک به ما است. «منِ» خواننده در آیینه آن، هم خود و هم زندگی زمان خود را عیان می‌بینم. همین دلیل را نیز باید برای پرداختن به ادبیات معاصر از طریق تحقیق، تحلیل و نقد ادبی به عنوان یکی از دلیل‌های اصلی و اساسی درنظر آورد.

با این همه، به نظر می‌رسد از حدود نیمه دهه ۱۳۸۰ به بعد وضعیت این گرایش از مطالعات ادبی در کشور ما به‌تدریج از حالت مطلوب یا نیمه‌مطلوب قدیم تَرَش خارج شده و حالت وخیم به خود گرفته است. آیا این موضوع با زمینه‌های نامناسب اقتصادی-اجتماعی در همین دوره مرتبط است؟ بدون غافل شدن از علت‌های دیگر، شاید یکی از علت‌ها را بتوانیم در همین نکته جست‌وجو کنیم. به طور عمده در دانشگاه‌های ما در این دوره دو نوع تحقیق، تحلیل و نقد ادبی در حوزه ادبیات معاصر به صورت کتاب و مقاله تألیف شده است: آثاری مبتنی بر نگاه و رویکرد علمی و آثار شبه علمی. در نوع اول، شما با مجموعه‌ای از گردآوری‌ها، کاوش‌ها و سنجش‌ها روبه‌رویید؛ اما در نوع دوم، که بدبختانه شمارشان روزبه‌روز فزونی گرفته است، پژوهشگر و تحلیلگر ادبی فقط با آویختن به یکی از نظریه‌های ادبی و با ساده کردن موضوع، خود را به دام اصطلاح‌ها و نام‌ها انداخته است؛ به‌ویژه تأثیر منفی و قالب/شکل‌محورانه نحله‌های ساختارگرا و پساساختارگرای اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا بر پایان‌نامه‌ها و تألیف‌های دانشگاهی ایران نکته‌ای نیست که بتوان انکار کرد. البته برخی از استادان برجسته ادبیات هم به نحوی از موضوع انتقاد کرده‌اند. اما این انتقادها به هیچ وجه کارساز نبوده است. بیرون از دانشگاه‌ها هم وضعیت تحقیق، تحلیل و نقد ادبیات معاصر در همین دوره چندان تعریفی نداشته است. گسترش فضای مجازی سبب تُنُک‌مایگیِ روزافزون آثار تالیف‌یافته در این حوزه به صورت کتاب، مقاله و جستار (essay) شده است. به خلاف دوره قدیم‌تر، شمار آثاری که بتوان به لحاظ ادبی به آن‌ها تکیه و استناد کرد، به شدت کاستی گرفته است. یکی از پراهمیت‌ترین نمودهای آن را باید رواج وسیع یادداشت‌نویسی به جای بهره‌یابی از شکل/فرمِ مقاله و جستارنویسی دانست.

یادآوری این نکته ضرورت دارد که یادداشت‌نویسی یک نوع ادبی حاشیه‌ای و کوتاه است که اغلب برای توجه دادن به یک نکته مهم یا درخور یادآوری مورداستفاده قرار می‌گیرد؛ به عنوان مثال، آن‌چه شما در حال خواندن آن هستید، یک «یادداشت» ادبی است؛ اما تصور بفرمایید که این نوع ادبی بخواهد وظیفه تحقیق، تحلیل و نقد ادبی را برعهده گیرد. حاصل آن معلوم است: شتابزدگی، آسانگیری و انبوه‌سازی. با تأسف باید گفت که شماری از قلمزنان مستعدِ ما، چه جوان چه میان‌سال، نیز با روی‌گردانی از کتاب/مقاله/جستارنویسی به حوزه یادداشت‌نگاری روی آورده‌اند.

به احتمال زیاد، دیده، خوانده و شنیده شدن در شبکه‌های اجتماعی یکی از اصلی‌ترین دلیل‌ها در اتخاذ چنین رویکردی است. بخشی از این یادداشت‌ها فقط در فضای مجازی و بخشی دیگر - با کمال شگفتی - در فضای نشریه‌ها و مجله‌های فرهنگی و ادبی هم بازتاب یافته است؛ البته در برخی از یادداشت‌نویسان تلاش‌هایی برای ارتقای یادداشت‌ها به مقاله و جستار دیده می‌شود؛ اما بدبختانه در شماری بیشتر از آنان ترقی معکوس رخ داده و کار به کشکول‌نویسی و حاشیه‌نویسی سنتی تبدیل شده است. باید تأکید کنم که به‌شخصه امید چندانی به بهبود وضعیت تحقیق، تحلیل و نقد ادبیات معاصر ندارم؛ با این همه، چون هیچ‌گاه سپهرِ ادبی از ذهن‌های بیدار و آگاه تهی نیست، امیدوارم این چند کلمه نیز نوعی هم‌اندیشی با چنین ذهن‌هایی و متضمن پیشنهاد عطف توجه قرار دادنِ این موضوع پراهمیت به شماری از خوانندگان و علاقه‌مندان تلقی و محسوب شود.

تلویزیون

مرور آثار زنده‌یاد خسرو شکیبایی در تلویزیون

شبکه نمایش این هفته در بخش مرور پرونده بازیگران، فیلم هایی از خسرو شکیبایی را پخش می‌کند. این فیلم‌ها، هر شب ساعت ۲۱ روی آنتن خواهند رفت. این شبکه ۲۸ تیرماه به مناسبت سالروز درگذشت بازیگر فقید سینمای ایران خسرو شکیبایی فیلم‌هایی از این هنرمند را در جدول پخش صحنه گران (مرور آثار) در طول هفته جاری روی آنتن خواهد برد.

به همین مناسبت، فیلم هایی همچون خواهران غریب، جست‌وجو در جزیره، سایه به سایه، دل شکسته، هامون، مزاحم و دست‌های خالی آثاری هستند که با هنرمندی این بازیگر به ترتیب تا ۲۹ تیرماه روی آنتن خواهد رفت.

شرط صداوسیما برای ادامه برنامه «زابی‌واکا»

چند شب پیش خبر توقیف برنامه «زابی‌واکا» به تهیه‌کنندگی حامد جوادزاده به علت شوخی‌ها و عبور از خط قرمزهای برنامه توسط مجری جنجالی این برنامه منتشر شد. حامد جوادزاده، تهیه‌کننده این برنامه اعلام کرد که هیچ نامه رسمی مبنی بر توقف برنامه به دست ما نرسیده و جلوگیری از ضبط و پخش برنامه تنها به صورت شفاهی در هنگام ضبط بوده است. حالا با گذشت دو روز از خبر توقیف، شنیده‌ها «صبا» حاکی از آن است که پخش برنامه مجدد از سر گرفته می‌شود و شرط آن هم این است که علی انصاریان خط قرمزها را رعایت کند و شوخی های جنجالی خود را ادامه ندهد.

این برنامه که ویژه جام‌جهانی ۲۰۱۸ در شبکه اینترنتی آیو تولید شده بود ابتدا با مجری گری آزاده صمدی روی آنتن رفت؛ اما با مخالفت سازمان صداوسیما مجری‌های این برنامه به علی انصاریان ومجید یاسر تغییر یافتند.

سینما

آغاز فیلم‌برداری فیلم سینمایی «دوچ» در شمال کشور

«دوچ»، دومین اثر بلند سینمایی است که در ژانر کودک و نوجوان به تهیه‌کنندگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۹۷ تولید می‌شود. بازیگرانی همچون ثریا قاسمی، کوروش سلیمانی، شیوا خسرومهر، سروش جمشیدی، کوروش زارعی، حسین عباسی، محمدامین احمدی و امیرمحمد محمدی در این فیلم ایفای نقش می کنند. داستان فیلم «دوچ» ماجرای نوجوانی به نام غلامرضا است که علاقه به دوچرخه‌سواری دارد و دوست دارد با دوچرخه مسابقه بدهد و جایزه به دست آورد؛ اما به‌دلیل مشکلات مالی، توانایی تهیه دوچرخه را ندارد. او برای به‌دست‌آوردن دوچرخه راهی جالب را انتخاب می کند و انتخاب این راه اتفاق‌های مختلفی را به‌دنبال دارد. گفتنی است، این فیلم به تهیه‌کنندگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با مشارکت بنیاد سینمایی فارابی ساخته می‌شود.

بازی جواد عزتی در «جان‌دار»

درحالی حدود نیمی از فیلم‌برداری فیلم سینمایی «جان‌دار» انجام شده است که جواد عزتی در روزهای گذشته مقابل دوربین رفته است. فیلم‌برداری فیلم سینمایی «جان‌دار» به کارگردانی مشترک حسین امیری دوماری و پدرام امیری و تهیه‌کنندگی کامران مجیدی در حالی از نیمه گذشته است که جواد عزتی در کنار دیگر چهره‌های این اثر، مقابل دوربین هومن بهمنش رفته است. «جان دار» این روزها در لوکیشن‌های مختلفی در تهران فیلم‌برداری شده و به حدود نیمه‌های راه رسیده است. این فیلم در حوزه اجتماعی و در بستر یک خانواده به تصویر کشیده شده و سومین تجربه کامران مجیدی با فیلم اولی‌ها محسوب می‌شود.

تاکنون همه بازیگران «جان دار» مقابل دوربین این فیلم رفته‌اند و فیلم‌نامه آن را امیری دوماری، پدرام امیری و محمد داودی به نگارش درآورده‌اند. فیلم سینمایی «جان‌دار» با حضور رخشان بنی‌اعتماد و جهانگیر کوثری در تهران کلید خورد. فاطمه معتمدآریا، حامد بهداد، باران کوثری، جواد عزتی، مسعود کرامتی، علی شادمان، امیراحمد قزوینی و علیرضا مهران بازیگران این اثر سینمایی هستند که برای حضور در جشنواره فیلم فجر آماده می‌شود.